



سحرطلوعی

پیش از آنکه ماه رمضان در ترکیه فرا برسد، رسم خانه‌تکانی که سنتی به‌جامانده از دوران امپراتوری عثمانی است، انجام می‌شود. ترک‌ها معتقدند تمیزی و نظافت برکت و نعمت خانه را افزایش می‌دهد. از آن گذشته، ظروفی که کمتر استفاده شده و خاص میهمانی‌هاست از کابینت‌ها بیرون می‌آید تا ضیافت ماه رمضان به درستی آغاز شود.

مسئولان شهری، مساجد و خیابان‌ها را با لامپ‌های رنگین تزئین می‌کنند تا سنتی دیگر یعنی سنت «مَحبَا» را زنده نگه دارند. طبال‌ها هم طبل‌ها را بیرون می‌کشند، «مانی»خوانی می‌کنند و به رمضان سلام می‌دهند: «بختمان بخت باد، رحمت بر ما باد که پادشاه همه ماه‌ها از راه رسیده و به خانه ما خوش آمده است.»

فروشگاه‌های سراسر شهرها در ترکیه همه تلاششان را می‌کنند تا مواد غذایی خاص ماه رمضان را تدارک ببینند. آنها می‌دانند ترک‌ها برای خرید ماه رمضان صف می‌کشند و مایحتاج یک ماه را به تمامی می‌خرند. شیرینی‌فروشی‌ها بر

رمضان در جهان – ترکیه

آنها دندانشان را قرض می‌دهند!

می‌شوند از گولاج (دسر خاص ماه رمضان که از شیر و آرد و دانه‌های آناز و کلاب تهیه می‌شود). سفره افطار ترک‌ها بدون گولاج کوبی خالی است.

هنگام افطار هنوز هم به یاد دوران عثمانی، توپ‌ ذر می‌شود. مؤذن که به اذان می‌ایستد، صدای شلیک توپ هم می‌آید. روزه‌داران تُرک عادت دارند با اندکی آب روزه باز کنند. بعد از آن نوبت زیتون سبز و سیاه است که همچون گولاج باید سر سفره ماه رمضان باشند. پنیر و نان پیده هم که جای خودش را دارد. سوپ و غذای گوشتی مثل پاستورما (گوشت پخته و سبزیجات) و سوچوک (سوسیس و…) هم برای افطار ترک‌ها غذای مرسومی است. گهگاه خرما هم برای افطار ترک‌ها تدارک دیده می‌شود.

ترک‌ها در ماه رمضان سنتی دیگر به نام «قرض دندان» را هم انجام می‌دهند؛ خانواده‌هایی که دستشان به دهانشان می‌رسد، سفره می‌اندازند، غذاهای مختلف تدارک می‌بینند، در خانه‌هایشان را باز می‌کنند تا فقرا بیایند و غذا بخورند و بسته‌هایی شامل پول و غذا هم به آنها می‌دهند. خانواده‌های ثروتمندتر حتی در



با گوشه‌ی همراه خود ضبط و آن را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. در این ویدئو دانش‌آموزان به خاطر بلدنبودن درس تنبیه بدنی، توهین و تحقیر می‌شوند. فیلم آن‌قدر تلخ بود که دل مسئولان آموزش و پرورش را هم به درد آورد. آنها تصمیم گرفتند معلم را عزل کنند و پرونده‌اش را به هیئت رسیدگی به تخلفات اداری بفرستند. چند روز بعد از این حادثه، ویدئو دیگری از یک مدرسهٔ پسرانه در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن دانش‌آموزان در حیاط مدرسه ایستاده‌اند و معاون مدرسه هم با پیچی موهای دانش‌آموزان را کوتاه می‌کند. نحوه برخورد معاون مدرسه با دانش‌آموز پسران آن‌قدر خشن بود که کاربران شبکه‌های اجتماعی به آن واکنش نشان دادند. برخی‌ها نوشتند این رفتار کودک‌آزاری است و مدیر و معاون مدرسه باید به عواقب و تبعات روحی و روانی این کار فکر کنند. برخی‌های دیگر هم خواستار رسیدگی جدی وزارت آموزش و پرورش به این رفتار خشن‌آمیز شدند.

واکنش‌ها و انتقاده‌ا ن‌قدر گسترده بود که خیلی‌ها از خاطرات دردناک مدرسه و نحوه برخورد مدیر و معاون نوشتند. کانون صنفی معلمان ایران هم در بیانیه‌ای با انتقاد از برخوردهای «غیرفرهنگی و غیرانسانی» با دانش‌آموزان اعلام کرده که حفظ حقوق دانش‌آموزان به عنوان کودک در محیط آموزشی از اصول بنیادین حقوق بشر است. آنها

خرید مایحتاج پیش از آغاز ماه رمضان، خانواده‌های کم‌درآمد را کمک می‌کنند. تا سحر یا «سحور» از راه برسد، ترک‌ها به قهوه‌خانه‌ها می‌روند، معاشرت می‌کنند و قهوه تُرک می‌نوشند یا در مساجد نماز تراویح می‌خوانند و… پیش از سحور، طبال‌ها بر طبل می‌کوبند و خواب‌مانده‌ها را بیدار می‌کنند. ترک‌ها هنگام سحور سعی می‌کنند صبحانه‌ای ساده و بیشتر از نوشیدنی‌ها و خوردنی‌های آبکی تدارک ببینند تا کمبود آب ساعات روزه‌داری را تأمین کنند.

کودکان و افراد مُسن که توانایی گرفتن روزه ندارند، اغلب سنت «تَکِنَه اوروکو» یا تَتمیه را که همان روزه کله‌گنجشکی است، به‌جا می‌آورند. در واقع آنها از سحر تا ظهر چیزی نمی‌خورند و نمی‌نوشند و در ظهر مقداری غذا می‌خورند و تا افطار دوباره روزه می‌گیرند.

در پایان هر ماه رمضان، طبال‌ها دوباره بر طبل‌هایشان می‌کوبند و مانی وداع می‌خوانند که «خدایا از تو سیاسگزاریم که روزه گرفتیم و تمام شد و حالا منتظر سال دیگریم. بدرود ماه رمضان.».



خواستار برخورد جدی یا فرد خاطی شدند و عامل اصلی بروز چنین حوادثی را ساختار معیوب نظام آموزشی در ایران دانستند. با این همه تنها صدايي که از وزارتخانه درآمد، فقط یک توییت بود. سخنگوی وزارت آموزش و پرورش در حساب کاربری توییتر خود در واکنش به این رفتار معاون مدرسه نوشت: «رفتار فرد خاطی با دانش‌آموزان عزیز مطابق ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری «اعمال و رفتار خلاف شئون اداری یا شغلی است» که از طریق هیئت رسیدگی به تخلفات اداری و تنبیهات موضوع ماده ۹ قانون مذکور رسیدگی می‌شود».

دیروز اما علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، خبر از استعفاي مدیر و معاون مدرسه داد. او در حساب کاربری خود در توییتر نوشت: «متخلفی که کرامت دانش‌آموزان را حفظ نکرده بود به هیئت رسیدگی به تخلفات اداری معرفی شد، مدیر و معاون مدرسه نیز استعفا دادند. سوءرفتارهای شخصی و خارج از ضابطه قابل انتساب به جامعه خدم فرهنگیان نیست.».

گزینش معلم ساختاردرستی ندارد

روایت تنبیه‌ها و تحقیرها موضوع همیشگی مدارس است و هر وقت که تنبیه یا تحقیر رسانه‌ای می‌شد، بسیاری از فعالان حقوق کودک به سلامت روحی و روانی معلمان اشاره می‌کردند و می‌گفتند وزارت آموزش و پرورش در گزینش‌های خود به هیچ عنوان به مباحث روحی و روانی افراد توجه ندارد؛ این در حالی است که به نظر می‌رسد مسئولان گزینش باید توجه جدی‌تری به مسائل روانی فرد در هنگام استخدام داشته باشند. محمدرضا نیک‌نژاد، کارشناس تعلیم و تربیت، در گفت‌وگو با «شرق» این موضوع را تأیید می‌کند و می‌گوید: «گزینش‌های سفت و سختی در دوران ما بود و همچنان هم ادامه دارد. گزینش‌ها متمرکز بر بحث ایدئولوژیک آموزش و پرورش است. ساختار آموزشی در گزینش معلم جای ندارد. البته همه جای دنیا معلم را گزینش می‌کنند مثلاً در فنلاند وقتی فردی نمره قبولی برای ورود به دانشگاه می‌گیرد تا معلم شود اولین پرسشی که از او دارند این است که شما چرا می‌خواهید معلم شوید؟ بعد از این پرسش می‌روند پارامترهای شخصی، شخصیتی و انگیزشی فرد را بررسی می‌کنند. برای همه بُعد روحی و روانی معلم بسیار مهم است. در تمام دوره‌های دانشگاه هم این ارزیابی انجام می‌شود تا فرد برای معلمی آماده شود. اما این ساختار برای ما وجود ندارد.»

او تأکید می‌کند: «اصلاً دربارهٔ علاقه فردی و مسائل روحی و روانی پرسش چندانی نمی‌شود. سلامت روان فرد آن‌طور که باید و شاید مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد. فقط سرخط‌های ایدئولوژیک است که برای همگان مهم است و البته ظاهر افرادی که می‌خواهند معلم شوند. از سوی دیگر شهروندان ما حقوق خود را نمی‌شناسند. معلم هم شهروند این جامعه است. او اصلاً با حقوق حرفه‌ای و آموزشی‌اش آشنا نیست. حتی با حقوق دانش‌آموز آشنا نیست. ما در دوران تربیت معلم درس‌های روان‌شناسی داشتیم اما اصلاً به مباحث تربیتی و سلامت روان معلم و دانش‌آموز توجهی نداشتند. نکته مهم دیگر روش آموزش در دانشگاه فرهنگیان است که باید به این موضوعات توجه بیشتری داشته باشند.»

اداری وزارتخانه کاهش یابد.

انجام تغییرات مذکور و حذف، ادغام و کوچک‌سازی حجم کلی ساختار سازمانی فرصت خوبی برای بهینه‌کردن فضاهای کاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، پس پیشنهاد می‌شود تمام ساختمان‌های پراکنده وزارتخانه جمع‌جمع و این وزارتخانه در مکانی با شمایلی و معماری متناسب با حال و هوای فرهنگ و هنر مستقر شود. ساختمان مستعمل، ناپایمن و عاریه‌ای فعلی وزارتخانه به هیچ عنوان در شان متولی اصلی فرهنگ و هنر کشور نیست.

با انجام این تغییرات، وظایف ارشادی و غیرمرتبط از عهده این وزارتخانه حذف می‌شود و قاعدتاً نام وزارتخانه هم باید به وزارت «فرهنگ و هنر اسلامی» تغییر یابد تا با شرح وظایف و کارکردش متناسب شود. به عبارتی بعد از تحقق چنین تغییراتی وزارت ارشاد به وزارت فرهنگ و هنر اسلامی با ساختاری کوچک، چابک، کارا، مفید و مؤثر تبدیل خواهد شد. بی‌تردید حاضران در ساختار بوروکراتیک فعلی این وزارتخانه با چنین تغییرات ماهیتی و شکلی مخالفت خواهند کرد. تصور آنها این است که چیزی برایشان باقی نمی‌ماند و بی‌کار می‌شوند. متأسفانه این تصور غلط ناشی از مقاومت‌های سنتی در سازمان‌هاست که مانع یویایی می‌شود. مدیران، کارکنان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید از چنین تحول بزرگی حمایت کنند تا تنظیم‌گری، حمایت، هدایت و نظارت در ساحت فرهنگ و هنر وارد مرحله نوین و به‌روزی شود و بازدهی ساختار و عملکرد این وزارتخانه را افزایش دهد. حیف است که چنین تغییرات رو به جلو و سازنده‌ای انجام پذیرد اما فکری به حال شیوه مندرس انتخاب مدیران فرهنگی نشود! باید به این نکته اعتقاد داشته باشیم که مدیریت در حوزه فرهنگ و هنر از جراحی قلب حساس‌تر و ظریف‌تر است، جراح قلب با جان یک نفر در یک زمان محدود سروکار دارد و مدیر فرهنگی با روح و روان یک ملت در زمان حال و آینده، ازاین‌رو تدین، ظاهرالصلاح بودن و مدرک دکترا داشتن برای نشستن بر مناصب فرهنگی شرط کافی نیست. برای انتخاب مدیر فرهنگی چند ویژگی لازم است: اول آنکه باید به حوزه فرهنگ و هنر علاقه‌مند و در یکی از حوزه‌های فرهنگی پدیدآورنده و صاحب سبک و سلیقه باشد. دوم آنکه خلاق و نوآور باشد. سوم اینکه سابقه موفق‌ی در مدیریت فرهنگ و هنر داشته باشد و مراجع و پدیدآورندگان، ارزش‌ها و قواعد حاکم بر حوزه فرهنگ و هنر را خوب بشناسد. مخلص کلام آنکه وزارت فرهنگ و هنر اسلامی به عنوان رگولاتور باید فقط به حوزه سینما، هنرهای تجسمی، نمایشی، موسیقی، رسانه‌ها، کتاب و فرهنگ عمومی نظارت کند و با انجمن آثار و مفاخر فرهنگی قردان پیش‌کسوتان فرهنگ و هنر و حافظ و مروج آثار فاخر آنها باشد. وزارتخانه‌ای کوچک، چابک، با وظایفی مشخص؛ نه کمتر و نه بیشتر. ببینیم چه می‌کنیم…

مذکور در ساختار این وزارتخانه موجب فریه‌کردن ساختار و افزایش بوروکراسی شده و بهتر است ساختار و وظایف آنها ادغام یا واگذار شود. پس پیشنهاد می‌شود وظایف سازمان عریض و طویل اما کم‌خاصیت فرهنگ و ارتباطات اسلامی به وزارت امور خارجه واگذار و ذیل معاون فرهنگی وزارت امور خارجه تعریف شود. وظایف سازمان حج و زیارت به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی واگذار شود. سازمان اوقاف و امور خیریه به‌طور تمام و کمال ذیل نهاد رهبری تعریف شود.

وظایف معاونت قرآن و عترت به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار و این معاونت از ساختار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حذف شود.

ساختار و وظایف ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور با مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، ستاد امر به معروف و نهی از منکر و ستاد اقامه نماز، ادغام و همگی ذیل سازمان تبلیغات اسلامی تعریف شوند. وظایف و ساختار نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به کتابخانه ملی جمهوری اسلامی واگذار شود.

شورای فرهنگ عمومی ذیل معاونت فرهنگی منتقل و این معاونت علاوه بر مسئولیت حوزه کتاب، مسئولیت فرهنگ عمومی را نیز عهده‌دار شود.

مرکز رسانه‌های دیجیتال در معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی ادغام شود و عنوان این معاونت به «معاونت رسانه» تغییر یابد. مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت با انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ادغام شده و در ساختاری موجز، منسجم و کارا ادامه فعالیت دهد. تمام مؤسسات فرهنگی کمک‌بگیر موجود، ادغام شوند و در یک مؤسسه مادر ایفای نقش کنند تا بساط روش‌های هزینه‌کرد مالی با استفاده از تر funds دورزدن برچیده شود. دلیل به وجود آمدن این مؤسسات ضعف و نقص قانون و جهل واحدهای حقوقی و مالی و ذی‌حسابی نسبت به ماهیت آفرینشگری در حوزه فرهنگ و هنر است. با اصلاح قوانین و قواعد حاکم، ادامه فعالیت چنین مؤسساتی ضرورت ندارد.

تمامی جشنواره‌ها و رویدادهای سالانه فرهنگی–هنری در حوزه‌های سینمایی، موسیقی، هنرهای نمایشی و تجسمی، نمایشگاه‌های کتاب و جوایز ملی حوزه فرهنگ و هنر به اتحادیه‌ها و تشکل‌های صنفی واگذار شود و تنها سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری این رویدادها بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باشد.

وظایف سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) بسته به موضوع به معاونت سینمایی و معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل و این سازمان غیرقانونی در صداوسیما منحل شود.

تمام وظایف رگولاتوری، نظارت و صدور مجوزهای فرهنگی–هنری از طریق پنجره واحد دولت الکترونیکی وزارتخانه انجام شود و حجم ساختار و امکانات

ادامه از صفحه اول

پارک، حمام نیست!

حیف شهردار تهران است که طالبان الکو و سرمشقش باشند. سپس به این نتیجه رسیدیم که احتمالاً برای کسب شهرت و بلند آوازشدن به این کار دست زده‌اید و خواسته‌اید با غلامحسین کرباسچی که در شهرداری تهران بلندآوازه شد، رقابت کنید؛ اما کرباسچی اگر بلندآوازه شد، برای این بود که دیوار پارک‌ها را برداشت. او کاری کرد که از هر جای پارک بتوانید وارد آن شوید، نه اینکه حتی از دروازه پارک هم اجازه ورود نداشته باشید! کرباسچی دیوارهای پادگان‌های

دگردیسی دروزارت ارشاد



سیدجمال هادیانطباطبای زواره

مهم‌ترین داشته‌ما ایرانیان گوهر «فرهنگ» است که از نیاکان فرهنگ‌پرورمان به ارت برده‌ایم؛ گوهری که ریشه در پیشینه دیرینه ایران عزیزمان دارد. تاریخ طولانی تمدن ایران‌زمین گویای آن است که ایرانیان از دیرباز مردمانی یکتاپرست، خردمند و صاحب فن و هنر بوده‌اند و در معماری، موسیقی، نقاشی و نگارگری، خوشنویسی، کتابت، صنایع دستی و در دوران اخیر در هنرهای همچون تئاتر و سینما حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته‌اند و دارند. در این میان توجه به نکته‌ای ظریف حائز اهمیت است و آن اینکه هنر وقتی به معنای واقعی هنر است که جوششی باشد نه سفارشی و کوششی. تجربه نشان داده است که هنر سفارشی و کوششی تاریخ انقضا دارد، اما هنر جوششی چون دل برمی‌آید لاجرم بر دل می‌نشیند و ماندگار می‌شود. آفرینشگران فرهنگ و هنر این نکته را بهتر از هر کسی درک می‌کنند و می‌توانند مسیر خویش را پیدا کنند. در این میان ماهیت و وظیفه نهاد‌های فرهنگی، حمایت، هدایت و نظارت است نه سفارش آثار هنری.

وضعیت فعلی

شوربختانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سال‌هاست که از مسیر اصلی خود به‌عنوان تنظیم‌گر، حامی، هادی و ناظر خارج شده و در جایگاه کارفرما و سفارش‌دهنده قرار گرفته است. این در حالی است که این وزارتخانه به‌عنوان متولی اصلی فرهنگ و هنر بسیار تحیف و ناتوان است؛ زیرا در طول زمان بسیاری از زواند و وظایف نامربوط با تکراری را به ریش آن بسته‌اند و اینک باری فراتر از ظرفیتش

کارت خودروکوئیک رنگ سفید قرمزروغنی مدل ۱۴۰۰
به شماره پلاک ایران ۶۶_۵۱۵ ی ۹۴ و شماره موتور M159255794 و شماره شاسی NAPX212AAM1058429 به نام **طاهر**
عابدین زاده مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودروپژوپارس XU7 رنگ خاکستری متالیک مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ایران ۴۰_۶۳۲ ی ۱۱ و شماره موتور 124K1661567 و شماره شاسی NAAN01CE3MK170102 به نام **زهره**
دلداری مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می باشد.

داخل شهر را که هیچ‌کس درون آنها را نمی‌داند، برداشت تا مردم درون آنها را ببینند و آنها را تبدیل به پارک کرد تا در شهر پر از دود مردم فضای بیشتری برای نفس‌کشیدن داشته باشند و برای اینها بود که خوشنام و مشهور شد. اگر شما در فکر آوازه و شهرت هستید، چرا در پی دیوارکشی برآمده‌اید؟ به راه صورت هر قصدی داشته باشید کار شما به زبان مردم شهر و بیهوده است. کاری نکنید که برای مردم شاهد فایده‌ای داشته باشد.